

زادالمعادی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: زادالمعادی

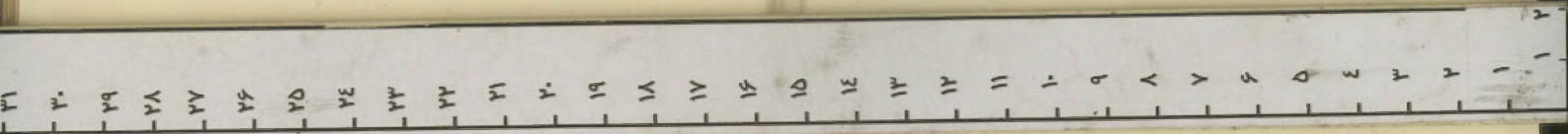
مؤلف: علامه عینی

مترجم:

شماره قفسه: ۱۴۸۵۷

شماره ثبت کتاب: ۹۰۳۹۱

جمهوری اسلامی ایران



زادالمعادی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: زادالمعادی

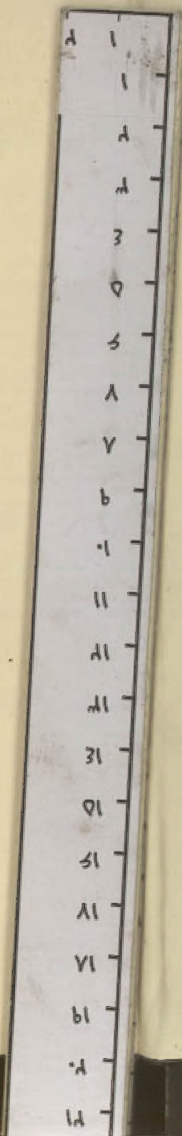
مؤلف: علامه عینی

مترجم:

شماره قفسه: ۱۴۸۵۷

شماره ثبت کتاب: ۹۰۳۹۱

جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب زادالمعاد

مؤلف علامه عینی

مترجم

شماره قفسه ۱۴۸۵۷

شماره ثبت کتاب ۹۰۳۶۱

IFADV

9. 391

[illegible]

دما عمل در بیان فصاحتی و اعمال آیه مخصوصه
 اول ماه است تا ايام الدين بعد منفقست از حضرت صادق
 علیه السلام که هر که روز اول ماه شعبان را روزی دارد و حضرت
 ادرا واجب کرد و البته از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
 استحباب روز ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲
 از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله
 علیه و آله فرمود که هر که در این شبانه ماه شعبان زکات میگذرد
 آنرا هزار بار عبادت میگویند خداوند بیامیزد روزی و روزی
 این روز را دعا می آید آنرا از استحباب کرده اند و روز سیم
 ماه شعبان روز سبأ و سارکست و موافق مشهور روز ولادت
 حضرت امام حسین صلوٰت الله علیه از حضرت صاحب الامر علیه
 السلام منقولست که هر روزی که ماه شعبان روز ولادت
 حضرت امام حسین صلوٰت الله علیه بر آن روز در هر روز دعا
 بخواند اللهم انی اسئلك عبي الملووفی هذا اليوم الموعود
 لیثباته قبل استیصال لی و ولادته بکتابه المتأ و من

[illegible][illegible][illegible]

اعترفت و سایر اعمال جنس را در این نیز نهی و عیب آرد و مناسب است

[illegible][illegible]

کند و در مدفن زاهد خانه او میخوابد و او و شریک هر دو از او مرده و خدا بقدر
و ثواب دفعه وار آن اجزاء و جبارت کند و گمان اجزاء با و عطا کند که با آنکه
خوابنا بر کجای میخوابد و این جبارت میخورد و هرگز است خود را که رسا کند
از او و بقرص جویند و بعد از این است بدین کربان شب است بسیار است
یا محمد بن یحیی بن زید و نوبی آدم جمع ملک که آسمان را می خورد و هرگز و در
زندان بسیار است معقول بود و در بعضی آسمان را و در بعضی در کعبه و
بعضی در جهنم بود و در بعضی در غا و بعضی بیکی و بعضی شب است و بعضی
استغفار را بعد از هر چیزی که خواند و در این است نظر بر نوبی است که گمان می
آورد و می آرزود هر روزی که گمان آسمان را باشد یا آسمان را باشد
و در هر کعبه و در هر جود باشد یا معقول باشد یا آسمان را باشد و این شب است که هرگز
و عاقل آسمان را عاقل است و عاقل است و هرگز استغفار کند و هرگز می شود و هرگز
نمی تواند بود و این معقول می کند و در هر کعبه است که هرگز آسمان را می خورد و
و از حضرت ابوالفضل علیه السلام منقول است که هرگز در شب هر شبان صد کعبه را
نمی کند یا هرگز را که هرگز احدی در هر کعبه و در هر شب عاقل می خورد و در هر شب که
دشمن از هر شب می خورد و در هر کعبه صد کعبه را می خورد و در هر شب که
الدی می خورد و این است و در هر کعبه و در هر شب و در هر شب است و در هر شب
ادامه از هر شبان که در هر شب می خورد و در هر شب که در هر شب و در هر شب

[illegible]

فرمود که من برای ای کبیل بنی دعار سقط ناچ و در هر شب جگر را در هوا می کوبید
تا در تابا بکوبند یا در هر خود کوبید تا آنکافا بشتر و شست آن بنی دند و در ای
کرد و بنی در بنی که و در شوی و البه که از هر بنی شوی ای کبیل صحبت
و در میان شد که نماز صحبت نهی و که ای حسن و فرزند که و نام بنی گفت بنی
و دعار و بنی من مؤد
بسم الله الرحمن الرحيم
الذکر اوت اسللت و خلت الذکر و صفت کل شیء یقول الذکر الذکر

يا فاعب يا اقل الاولين يا ابا الانبياء اللهم اغفر لي الذنوب التي
 قتلت في عيبي اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي
 الذنوب التي تعيق الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تحجب الدعاء اللهم
 اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي الذنوب كل ذنب

[illegible]

وَقَدْ نَفَّسَ بِيَانَهَا وَمِطَالِي يَاسِيدِي فَأَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَنِي

عَلَى بَنِي دَاوُدَ فَقَبِلَ حُدُودَكَ وَخَالَفَتْ هَيْبَتُكَ وَأَمْرُكَ فَكَانَ الْحَمْدُ عَلَى
 وَجْهِكَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لَكَ فِيهَا يَرْجِي عَلَى هَيْبَتِكَ قَضَائِكَ وَأَنْ يَمُوتَ حَمْدُكَ
 قَبْلَهُ ذَلِكَ وَقَدْ بَلَغْتَ بِالْإِلَهِ الْعَبْدَ فَصَبْرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مَعْدُومًا
 نَادِيًا سَكْرًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا
 مَا كَانَ يَنْبَغِي وَلَا مَطْرَقًا أَتَوْجِهَ إِلَيْكَ فِي رَبِّي عَيْنَ قَوْلِكَ عَذْرِي قَدْ
 إِنِّي فِي سَعْيٍ مِنْ سَهْلِكَ اللَّهُ قَدْ بَلَغَ عَذْرِي وَأَسْرَمْتُكَ مُتَقِيلًا مُتَقِيلًا
 مِنْ سَهْلِكَ وَمَنْ يَنْبَغِي بِأَنْتَ أَمْ صَغَفْتُ عَذْرِي وَفَرَقْتُ سَهْلِي وَفَرَقْتُ عَذْرِي
 بِأَنْتَ بَدَلْتُكَ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ
 وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ وَفَرَقْتُ

فَحَبِيدُكَ وَتَعْبُدُ مَا أَنْطَرِيَا عَلَيْكَ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَمْ يَسْجُدْ لِي
 مِنْ دُخْرِكَ وَأَعْقَدْتُ صَبْرِي مِنْ مَعْلَمِكَ وَهَبْتُ صَدْرِي لِغَيْرِ مَعْلَمِي وَطَلَعْتُ
 حَاجَتِي إِلَى مَعْلَمِكَ فَهِيَ أَيْتَانُكَ كَرَّمَ مِنْكَ نَفْسِي مِنْ بَرِيَّةٍ وَأَوْجَدْتُ
 مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ
 وَلَمْ يَكُنْ شَعْرِي بِأَسْبَدِي إِلَيْهِ وَقَوْلًا جَاسِدًا لَنَا وَعَلَى فُجُوٍّ
 مَوْتٍ لِعِظَمَتِكَ سَاجِدًا وَعَلَى السَّيْرِ نَفَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقًا
 يَكُونُ مَا هُوَ وَعَلَى فُلُوسٍ عَرَفْتُ بِأَهْلِيكَ حَقِيقَةً وَعَلَى غَمَارٍ
 مَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْتَ حَقٌّ صَادِقٌ خَائِعَةٌ وَعَلَى حَوَارِجٍ سَفَنًا أَيْلًا

تَعْبُدُكَ ظَافِرَةً وَأَشَارَتُ بِأَسْفَارِكَ مَدِينَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِي
 وَلَا خَيْرَ مَا ظَنَنْتُكَ فَكَانَتْ بَأْسِي فَانْتَفَعْتُ مِنْ مَعْلَمِي مِنْ قَلْبِي
 مِنْ بَدَلْتُكَ وَمَا ظَنَنْتُكَ بِأَنْتَ مَا ظَنَنْتُكَ فِيهَا سَهْلِي وَالْحَمْدُ لَكَ
 أَنْتَ ذَلِكَ بَدَلْتُكَ قَلْبِي مَكْنَهُ يَسِيرُ بِمَا هُوَ صَبْرِي مَدْنَةً وَكُنْتُ
 اِجْتِهَادِي لِيْلَهُ وَالْأَرْحَاقُ وَحَلِيلِي وَفُجُوٍّ الْكَارِ فِيهَا قَوْلِي وَفُجُوٍّ
 مَدْنَةً وَفُجُوٍّ مَدْنَةً وَلَا تُخَفِّفْ مِنْ أَمْرِكَ لِأَصْلِهِ لَوْلَا لَوْ كُنْتُ الْإِعْنَ
 عَشْرِيكَ وَأَنْفَاطِيكَ وَصَبْرِيكَ وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ الْقَوَائِدُ وَالْأَرْحَاقُ
 يَا سَبِيحِي فَكَيْفَ بِي مَا نَاغَمْتُكَ الصَّبْرُ الْمَدْلُ الْخَصْبُ الْمَسْكُونُ الْمَكْنُونُ
 يَا إِلَهِ قَمَرِي وَسَيِّدِي وَقَوْلَا لِي الْأُمُورَ أَيْلًا أَسْكُو وَمَا مَعْنَاهَا

أَسْجُدُ لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَتَعْبُدُكَ ظَافِرَةً وَأَشَارَتُ بِأَسْفَارِكَ مَدِينَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِي
 فِي الْعَوَارِجِ أَعْدَاكَ وَصَبْرِي وَفَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ
 بَيْنِي وَفَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ
 وَفَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ أَوْ فَرَقْتُ مِنْ أَوْجَدْتُهُ
 يَا إِلَهِ قَمَرِي وَسَيِّدِي وَقَوْلَا لِي الْأُمُورَ أَيْلًا أَسْكُو وَمَا مَعْنَاهَا

[illegible]

حذر و بچینا فی زمانه و بعد و میکن و کنا هان و بعضی و در عرفه سالن می کند
 و صفر ای غالبه از قریب لشانه و قطع میکند بلم مر و اطفا می خردت سبکند
 حد اقل هر طرف میکند و بعضی از حضرت و بعضی از الله و در مقبول است که هر که
 و بر مای جان بی انظار کن و غایب از رخ چهار مرد بر او رضا عفو کرد و وقت
 حضرت ^{صلی الله علیه و آله} و مقبول است که از قطار حرکت با یک کاهانه ای شود و در
 و دیگر فرمود که حضرت را بر این حق علیه و دست می داشت که از قطار از راه ابدیت بفران
 حضرت و از راه علیه السلام مقبول است که هر که در قریه از قطار بگذرد تا آن قصد رفت
 کند در سبک می شد کنا هان او را بیامیزد و غلاب است بدک او که در حرکت از قریه
 ایما عیل در زمانه احوال و بعضی شنه خود و بعضی از احوال در هر طرف و بعضی از
 بیامیزد و بعضی از آن قریه و بعضی از بیامیزد و بعضی از قریه و بعضی از آن
 شود است و بعضی است که هر که بر بیامیزد است بیامیزد و بعضی از آن
 و در زمانه ای که بیامیزد قریه است و بعضی از آن قریه و بعضی از آن
 و بعضی از هر قریه است بیامیزد است و بعضی از هر قریه است بیامیزد
 غایت و در هر یک و بعضی است که هر که بیامیزد است بیامیزد و بعضی از آن
 می کند اند که هر که بیامیزد است بیامیزد و بعضی از آن قریه و بعضی از آن
 زهره و بعضی از آن قریه و بعضی از آن قریه و بعضی از آن قریه و بعضی از آن
 او را بیامیزد و بعضی از آن قریه و بعضی از آن قریه و بعضی از آن قریه و بعضی از آن

والأكرام والفضل والأصنام بعد فلا شيء فصرح في هذا القصر في منزله
وعلى القصر الذي كنت له مناهج عاودته ولا ينبغي فيها حيلة
والآخر منها حيلة صرحت في الأعراس ومعانع لعلها في الظواهر فخرج
فعله من مائة الحمد لله الذي يحبني حيث أنا دبر فصرح على كل شيء
وأنا عبيده فنعلم الحق على أن أمانه فيكم من موعيد هبته قد
أعطاني فطيمه عوفي قد كفايتي فحجتي مؤمنة قد رأيت فأحب عليه
سائدا وأذكرني سبحانه الذي لا يفتك حياؤه ولا يخاف بانه
ولا في ذنابه ولا في عيبه الحمد لله الذي يحبني الخاضعين وجميع
الضالين فخرج السخيفين فخرج السكربت وبه لست ملوكا وبه لست
أعجب فلهذا في ما لم يلبس من مير الطالبي مذكر من العارفين كمال
الطالبين صريح المستورين فخرج حاجا إلى الطالبين صريح المومنين
الحمد لله الذي من قبله ترفع النساء وكما شأ وترجع الأرض وما
وما فخرج الحيوان ومن يسمع في غريب الحمد لله الذي هذا أنا ما كنت
لست في أولان هذا أنا الله الحمد لله الذي عافى ولم عافى وصرح
ولا يصرح ولا يصرح ولا يصرح ولا يصرح ولا يصرح ولا يصرح
يصرح الحمد لله الذي على عافى فذكر الله سبل على حمد والحمد لله
فمن يترك فابن يترك وصغير يترك فغير يترك من عافى فلهذا

[illegible][illegible][illegible]

۱۰۰

前

نامائے
مقامات

منازل

جنت

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَرْبَعِ مَجَالِيصَ بِمَدِينَةِ بَغْدَادَ فِي يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ

[illegible][illegible]

اَللّٰهُمَّ زَيِّنِيْ فِيْهِ الْاِمْرَةَ بِاَمْرِكَ وَجَعَلِيْ مِنْ حَبِيْبَتِكَ وَقَرِيْبَتِكَ
 وَدَقِيقِيْ فِيْهِ لِقَاءَ وَايَاتِكَ وَجَعَلِيْكَ بِالرَّحْمَةِ الرَّحِيْمِ
 فِيْهِ الْوَقْتِ وَالنَّبِيَّةِ وَبِأَعْيُنِيْ مِنْ اَشْفَاقِهِ وَالْعَوِيَّةِ وَالْبَعْدِيَّةِ
 مِنْ طَرَفِيْ شَرِّ اَمْرٍ جَعَلْتَهُ بِالْجُودِ الْاَجْوَدِ
 عَلَى اَمْرٍ اَمْرِكَ قَدْ زَيَّنِيْ فِيْهِ صَلَوةً وَذِكْرَكَ وَافْرَجْتَنِيْ فِيْهِ اِلَهًا
 شَكْرَكَ بِرُحْمَتِكَ وَاسْتَغْفِرِيْ بِعَفْوِكَ وَتَبَرَّكْتَ بِالْمَصْرَفِ الْاَرْبَعِ
 لِعِبَادَتِيْ مِنْ اَمْرِ السَّغِيْرِ وَجَعَلْتَنِيْ مِنْ اَوْلِيَا اَمْرِكَ الْمَرْغُوبِ الْمُتَقَبَّلِ
 الْاَكْرَمِ وَجَعَلْتَنِيْ بِالرَّحْمَةِ الرَّحِيْمِ
 وَلَا تَنْفَرْنِيْ لِيَسِيْرِيْ لِقَائِكَ وَزَيِّنِيْ فِيْهِ مِنْ سُرُورَاتِ حَبِيْبَتِكَ وَنَدَاتِ
 رَأْسِ اَمْرِكَ لِمَتَقِيْ سَهْرَةَ لَدُنِّيْ
 وَجَعَلْتَنِيْ فِيْهِ مِنْ هَوَايَا وَنَازِيْعِيْ وَنُحُومِيْ وَفِيْهِ اَمْرِيْ وَفِيْهِ اَمْرِيْ
 يَا مَدَامُ وَالْمُحَلِّيْنَ
 وَافِيَاةِ السَّلَامِ وَفَضْلَةِ الْاِكْرَامِ بِقَوْلِكَ يَا اَلِقَامُ اَلْعَالَمِيْنَ
 اَسْأَلُكَ فِيْهِ فُضُوْا اَوْ مَخْلُوكِيْكَ الْوَالِيَّةِ وَاقْدِيفِيْ فِيْهِ لِيْ اَمْرًا لَاشْأَى
 وَتُسَدِّدِيْ بِيْ اِلَى اَمْرِكَ الْغَايَةِ بِحَبِيْبَتِكَ يَا اَمْلَ الْمُنَاقِبِ
 اَللّٰهُمَّ اجْعَلِيْ فِيْهِ مِنْ اَمْرِ الْوَقْتِ وَكَذَلِكَ وَاجْعَلِيْ فِيْهِ اَمْرًا لَاشْأَى
 فَاسْأَلْنِيْ فِيْهِ اَمْرًا لَاشْأَى اَمْرًا لَاشْأَى اَمْرًا لَاشْأَى

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible]

لَيْسَ قَوْلُكَ سَمِيٌّ وَتَعْدُ وَلَا أَوْفَى وَأَنْتَ بِالسُّخْرَى الْأَعْلَى مَا لِي بِإِغْوَايَ وَالْوَقْعِ لَكَ
مَا فِيهَا وَأَوَاتِ الْعُلَى وَالْمُنَاكِحِي مَا فِي الْأَرْضِ وَأَدْفِ اللَّهُمَّ لَكَ مَا فِي الْأَنْبِيَا
شَوْبِ الْعِيَابِ ذِي السُّلُوبِ إِلَى الْإِلَآتِ إِلَيْكَ الْمَجْرُوعِينَ وَخَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ
وَأَنْتَ خَيْرُكَ وَلَا مَعْشُوبَ عَيْتِكَ وَأَنْتَ الْأَعْيَبُ مَا أَنْتَ أَنْتَ الدَّعِي لَا
رَافِعَ لَهَا وَتَصَعَّدُ وَلَا دَافِعَ لَهَا وَتَعْتَ أَنْتَ الدَّعِيَا كَيْتَ كُلِّ شَيْءٍ عَيْتُكَ
وَالْمَجْبُوتَ كُلِّ شَيْءٍ بِعَيْتِكَ وَأَمَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعَيْتِكَ وَلَا تَعْوِزُكَ شَيْءٌ
بِعَيْتِكَ وَالْأَعْيَبُ عَنْكَ شَيْءٌ أَنْتَ الدَّعِي لَا تَجُوزُكَ مَا يُولُوكَ وَلَا تَعْوِزُكَ مَا يُولُوكَ
وَالْأَعْيَبُ فَإِنَّكَ أَنْتَ عَلَوْتَ فَتَعَزَّتْ وَمَلَكْتَ فَتَعَدَّتْ وَتَكَلَّفْتَ فَتَقَرَّرَتْ
وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ تَهَوَّرَتْ عَلَيَّ سَائِرُهَا الْأَعْيَبُ وَمَا عَيْتُ الْعُدَاةِ وَتَعَلَّمَ مَا خَلَقَ
كُلُّ شَيْءٍ وَمَا تَصَعَّدَ وَمَا تَهَوَّرَ الْأَعْيَبُ وَمَا تَعَزَّزَ وَكُلَّ شَيْءٍ مِنْكَ وَفِيهَا
الَّذِي لَا شَيْءَ مِنْ وَجْهِكَ وَلَا شَيْءَ مِنْ قَوْلِكَ عَلَيْكَ أَنْتَ الدَّعِي لَا تَعْوِزُكَ
مَا فِي جَوْهِكَ وَأَعْيَبُ مَا فِي جَوْهِكَ وَلَا تَعْوِزُكَ مَا فِي جَوْهِكَ مَا فِي جَوْهِكَ
مِنْكَ أَنْتَ الدَّعِي تَهَوَّرَتْ فِي مَلِكِكَ وَلَا تَعْوِزُكَ أَهْلُ جَيْشِكَ ذَلِكَ أَنْتَ الدَّعِي عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ مَلِكُكَ وَمَلِكُكَ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْتَ الدَّعِي مَلِكُكَ الْمَلُوكَ يَهْدِيكَ
وَتَسْتَعِيذُ الْإِنْسَانُ بِعَيْتِكَ وَأَنْتَ الدَّعِي تَهَوَّرَتْ كُلُّ شَيْءٍ بِعَيْتِكَ وَتَعَزَّزَتْ
كُلُّ شَيْءٍ بِعَيْتِكَ أَنْتَ الدَّعِي لَا تَسْتَطَاعُ أَنْ تَعْوِزَكَ وَمِنْكَ وَلَا تَعْوِزُكَ لِمَا عَزَّزَتْ
أَنْتَ الدَّعِي لَا يَسْتَعِيذُ الْإِنْسَانُ مِنْكَ وَلَا تَعْوِزُكَ الْمَلُوكُ مِنْ قَوْلِكَ إِنَّكَ عَزَّزْتَ

[illegible]

وَأَمَّا مَا كَانَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَاصْنَعِ الْقَارُونَ وَمَنْ أَوْلَى وَأَوَّلَى مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
 وَأَمَّا مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ فَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ إِلَّا أَنْفُسَكُمْ فَتَبَيَّنَ السَّعِيرُ
 وَأَمَّا قَوْمُ يَتَّبِعُونَ الْمَسَاحِينَ الَّتِي يَقُولُونَ الْمَسَامِينُ فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ لَهَا
 شَيْئًا وَهِيَ كَالْحَبِّ ذَرْبٍ وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ كِبَاسَ ظُهُورِ الْمَسَاحِينَ لِيُحْمِلُوا مِنْهُمْ
 كِيسَ الْإِثْمِ وَالْكَافِرِينَ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِسْلَامَ وَلَا تُحِبُّونَ الْإِثْمَ وَالْكَافِرِينَ
 لَتَنَالِفَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَةٌ مِنَ الْإِثْمِ وَلَتَذَنَّبُوا إِلَى كَيْسٍ زَاهٍ مِنْهُمَا لِيُدْعَا إِلَيْهِمْ
 بِأَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتُكُمْ وَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفُ الْأُولَى قَالُوا هَذَا مَا كُنَّا نَعْبُدُونَ إِلَّا
 أَنْفُسَنَا وَمَا نَحْمِلُ مِنْ حِمْلٍ وَلَا يَخَصِمُونَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الَّذِينَ كَذَبُوا
 وَكَانُوا فَاسِقِينَ

[illegible]

التفاسط
الزحل

[illegible][illegible]

د. ۱۱۱۱

إِلَهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ كُنْتَ تَخْلُقُ شَيْءًا بِحَسْبِ قَوْلِ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ
 يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ
 يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ يَارَ بْنَ لَهَبٍ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُحْسِنِينَ وَالْمُحْسِنَاتِ
 وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ
 مَنْ سِوَاكَ يَا شَاهِدَ الْأَشْوَاقِ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ وَالْمُتَّقَاتِ
 وَأَنْتَ قَدْ مَنَّ عَلَيْنَا وَلَا تَنْفَكْ عَنَّا يَا بْنَ لَهَبٍ وَلَا تَنْفَكْ عَنَّا يَا بْنَ لَهَبٍ وَلَا تَنْفَكْ عَنَّا يَا بْنَ لَهَبٍ
 نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 فَسَمِعْنَا هَذَا الْمَاءَ وَكَرِهْنَا أَنْ نَمْنَحَ فِيهِ عَائِدَةً وَنَلْقَى أَنْوَاعًا كَثِيرَةً وَنَحْمَلُ
 الْأَوْثَمَ الْأَوْثَمَ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ
 يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ يَا بْنَ لَهَبٍ
 فِيهِ الشَّاعِرُ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ
 أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ
 أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ
 فِي هَذَا الشَّاعِرِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ
 أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ أَذْوَاجُهُ

[illegible][illegible]

الطائر باليهاب والعاث من الجناح منهم عارفين عيولك معني في التصديق
 في ويا بهيا جارية غير سكر ما انتهى اليه من فضلك مؤمن والمزديات من
 ذلك مؤمن بالكتاب لنزول عليك بحمل حلال لك محرم مما احببت
 لا ترمي الله مع كل ما فيه وأما ما من كل ما جدي انك قد اذنت من الام
 ذلك وصعدت لامتك وما هذت في سبيل ربك وصعدت يا من قد
 استغلت الاذي في جنيد وعوت الي سبيل الحكمة والقسط الحسنة
 المحبلة واذا نكحت الذي كان عليك وانك قد عرفت بالمؤمن وفعلت
 على الظرف وعبدت ما عبادت انك لا يقرب ملى الله يا من شرف
 على الملك من على من اهل القرية فان قد رحمت المرسون حب لا لا لك
 لا من ولا يقربك فان ولا سبقت ما بي ولا قطع في اوداجك طامع الله
 لله الذي استغلتك يا من الملهك وهذا انك من الصلة وفورنا يا من
 الملهك من الله يا من الله من معبود افضل ما جوي نيك من ايتيه وزكي
 عن اسيل اليد يا من انت داني لا لا لله وزكي عارفا عيولك معني
 معيولك مستعجرا بعد ان لم تخالفت وناقض اهل بيتك عارفا يا من
 الذي انت عليه يا من انت وضيي قاهلي وما لي قد لذي انا صلي
 عليك كما صلي الله عليك وصلي عليك ملا كنة قاتلي الله وزكي صلي
 مناعة قد امة مواصلة لا قطع لها ولا مد ولا احل صلى الله عليك

[illegible]

[illegible]

مغولت که گفت هر چند صادقانه است و از این که زبانت کوته است
چون صواب باشد در هر هفته بخیر باشد و در هر یک گفت وادی تو هم میان من و
فرستخوای بدیدار است فرمود که بالا این وی پیام رسان خود پس ملتفت بشوی بچاپ
داست و بچاپ خود پس سر و زانو و پاها را بکشد و بگوید ای پسر نجیب خیر از خیر است
و میگوید اَلَمْ تَلِكْ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ اَلَمْ تَلِكْ يَا قَامِرُ مَوْلَا اَبِي اَلْمَعْلُکْ و در
الفرقه بگذاشت تا او نشنید و خود باری تو را میجو و فرستادید که بسیار است که در وی
روزی زیاد و از دست میخیزد زیاد است میگفت و بدیدار هیچ من از حضرت مغولت
که کسی را ندیدم بعد و مضامینش دور ایشان را میگرداند و در میان من و خود و دوست
تا من را گردان و امیانت گفت سلام خوبی و برایتان السلام با من مدد و در پیش من
از سلمان بن عیسی که گفت بفرستد و خود حضرت صادق علیه السلام که میگوید و فرستاد
و زبانت کوته که خاصه است از مدد و خدمت من تا غم و فرود که ای عیسی هرگاه زبانت کوته
باشد پس پیش من و خود و خود غسل کن و او صواب است و بالا و در وی با من خود و در کفر
مان و زیادت کن و وصی خود بنویسی من بدرستی که هر که زبانت کوته کند و در زیادت
خسب زیادت که زبانت کوته است بعد از موت من و کسی که زبانت کوته کند بعد از
پس زیادت است که زبانت کوته است در میان من که این حدیث خلا
میگردانند که درین زمان از حضرت صاحب خلا و زیادت طلب که در هر حالت و در هر
زمان کردن و در هر حال که زبانت کوته است و در هر حال که زیادت است

[illegible][illegible]

[illegible]

انام بعد باقی الی الی الم نکتست برود هرگز ز دلنا و فیتناست بگرد و معنی بود که دست و پا نگذاشت
کردن و اینجا در مضایق تا قوافیات و هرگز دست و پا میگردان و چون است که آن
گفته است و در حدیث صحیح از حضرت باقر علیه السلام نقل است که هرگاه که کسی را در وقت جان
بماند کلمات فرج تلقین او کند و کلمات فرج الغیب **لا اله الا الله اعلم الکرم**
لا اله الا الله الاعلی العظیم سبحان الله و بحمده و تبارک الله تعالی و لا اله الا الله تعالی
و تمام بقیه و **قوله تعالی** و **تبارک الله تعالی** و **تبارک الله تعالی** و **تبارک الله تعالی** و **تبارک الله تعالی**
نقل است که چون این کلمات را تلقین کنی بگرد و معنی باشد که هرگز دست و پا نگذاشت
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
حضرت فرمود که این کلمات را تا آخر تمام جات باید و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
که هر چه گفتی بگرد و معنی باشد که هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
نیاید دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
تا آخر تمام جات و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
تلقین او کند و **لا اله الا الله الاعلی العظیم سبحان الله و بحمده و تبارک الله تعالی و لا اله الا الله تعالی**
سبحان الله و بحمده و تبارک الله تعالی و لا اله الا الله تعالی و **تبارک الله تعالی و لا اله الا الله تعالی**
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت
و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت و هرگز دست و پا نگذاشت

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

مغز است اما صفت مغز هم سبب است و علم گفته اند که مست است که لغزش نمی ریزد و این کار از
جریان آن مغز بیرون رفتن و بایب و دهان و شکست و ست است و موافق مغز هر که در مغز
و گفتند و او را که در مغز گفتند و دهان ایشان را داد و او را یا تا آخر مغز می رود و بعد از آن
شرح کند که در مغز هر که در مغز است حوض کوفه است اما که در مغز و منحنی است
یعنی پیشانی و گفتند و دهان ایشان را داد و شکست و ست است و موافق مغز هر که در مغز
باشد و معتبر است که در مغز ایشان را داد و در سینه ایشان را داد و او را که در مغز است
و بعد از این با دیدن های دست و مرقع های و بعد از این با دیدن های دست و مرقع های
انگشتان و سایر بعد از این با دیدن های دست و مرقع های انگشتان و سایر بعد از این با دیدن
طام خوردن را باشد و مقدار ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
است و معتبر از این است که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
بوده باشد موافق حوض مغز است و سبب است که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
و معتبر است که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
نامز با معتبر که اندک و در دهان ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
معتبر است که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
پس در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
و این هم در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد
باشد و معتبر است که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد که در مغز ایشان را باشد

[illegible]

یا صبر برین ای کوی انا لله وانا الیه راجعون وانا لله رب العالمین اللهم انی
مستغفرک فیما کان علی قلبی وعلف علی عقیب فی الشاریع وعلی عتبت
یا رب العالمین بستمناست که حاضران بدین کف دست خاک بر خیزند
وگویند دست کفشان را بگشاید و چون بدین مناسبت و مستناست که در مرتبه
برینند و درین بخت ای کوی الله انا لله وانا الیه راجعون وانا لله رب العالمین وعلی
عقیب وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت
مستناست که در خجست کند و این کار را بخوانند و بعد در هر مرتبه دست را بر روی
او بوسید و گویند یا رب العالمین وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت
قلب است و در هر بار در خجست اند و مستناست که در خجست خاک قبر و دست
مذوقند که از دست برین و دست است که در خجست یا رب العالمین وعلی عتبت
بعضی میگویند که کلاه و بعضی بهم ادا و کلاه و عتبت وعلی عتبت وعلی عتبت
و در غایت که در خجست برین باشد و عتبت است که در خجست برین گویند
در این باب این کنند و عتبت نکند و عتبت که در خجست و بعد از آن آب
بر خیزند و در خجست است که در خجست و عتبت است که در خجست و عتبت
که در خجست و عتبت است که در خجست و عتبت است که در خجست و عتبت
ناجی او گویند عتبت و عتبت و عتبت و عتبت و عتبت و عتبت و عتبت
ستناست که آب بفتح کند و متصل برین تا نام شود و مستناست که در خجست

[illegible][illegible]

[illegible]

پیدا شود و معنی نباشد عوض برده تا هر لیسان است که اگر از او چیزی بماند یا نشد
نقطه است و اگر چیزی برین بود است کج است خواهی اسلام داشته باشد
و خواه نداشته باشد و جوی باین قائل شدن اند و غایت و حقوق نیست و اگر کج
و در صفت خود بیاید که از پیران و امیرین باشد از دوست و اگر خواص باشد
اموط است و اگر از چندین صین باشد تعریف میکنند بیایع و زعم و در اکثر
شایع باشد که آن حد فیه از حاصل خود و باین است که حدی علی بن ابی طالب
و از آن دوست و از آن موط است که چنان از دیده و حق که عیون و حق
شتر و کلام و حکم و احکام بیاید تعریف میکنند بیایع و از نشان نهاده اند
و موط از اجماع جناس است و اگر در حکم مای بیاید حق میدهند احتیاطا و اما در خلاف
اوست و بان ملکی کرده اند میوانایت شکاری را نه مانند اهو و اگر عقل نباشد
که در خانه اندک ساق و حق نباشد اموط است که تعریف و میگویند و حق
حق است که معنوی از بر این است که هر چه اندک را در بر و بران و در این
معنی است و دشواری آن است که میانش که در آن است معنی این است که هر چه
عجیب نیست و میان گفته اند از چندین مرتبه در هر دو در صواب با هم حساب میکنند
در چندین مرتبه و آنکه خود کرده باشد علی التقریب و اگر چند یک مرتبه است از چندین
مرتبه بسیار بود صواب برسد که عشر را معنوی از بر ناده کرده اند حکم را در بر دارد
از این است که با اسامی و در هر چند معنوی است که هر که معتقد دارد و موط آن است

[illegible]

مجبوریت مانند بیعت و امانت و غیره با سایر احکام علی الاطلاق این را قبول
در تفسیر کردن حین باشد در این طبع اجماع کرده باشد و ضرورت و احوال قبول
بر آن خواهد که جماع کند باید که گرفتار دهد و اگر بدو گرفتار جماع کند و گرفتار
بدهد واجب میشود بنا بر مشهور و گفتار بلیک نیند از ادراک است و اگر غایب بود
و ناچار بود بعهده داشت و با غیر باشد و شفت بکین طعنام دادن

کفاره قسم است و این قول عالمی از توقیف نیست و احوط و کفاره و ماله مرصداست
مطلقا کفاره قسم است که یا بعد از صلوات کرده باشد که مرصداً یا بی صلوات
یا بعد از صلوات کرده باشد که یا مرصداً یا بی صلوات و احوط آنست که بعد از صلوات
باشد کفاره و نه خلاف است و احوط آنست که در تنه مرصداً شود
چون است بعنوان بیزار می و عفو و بی عذر و آنرا هدف عظیم الهی است و در هر دو

باقول بعضی و تجزیه بر قول بعضی و بعضی گفتند این کلام دارد و کفار را می‌داند و در
 درایتی و دانش است که کفار را فساد راه و نشان انداخته است و حیل علی و برایش
 و بعضی ترسیدند و از این احوال کرده اند هر چند در روزی گفتند هرگاه که در روز
 می‌رسد خدا را بگوید یا دوی خدا را بگوید یا دوی جانه خدا را بگوید یا دوی یا که
 خود را بگوید که کفار و قسم لازم می‌شود و بنا بر قول بعضی و در میان این و این معقول
 دارد و ثانی است و اولی است هر چند در میان ثابت و روی کردن
 باشد یا که از خود را بر تاج حق جاع کند و در قبل بعضی کفار و اولی است و این
 و بعضی است و تصور میان طمان است که اگر از اولی و این باشد یا که از
 صفت می‌کند و در وسط بعد از آن است و در میان حق و کفار است و اولی و دوم
 کفار است که در خواب بود و نماز صحت کرده باشد یا بعضی که در
 بعضی گفتند که در حقیقت است که در روزی و در روز و در روز و بعضی که
 و ناسی نیز می‌گوید که این در حقیقت است که در روزی و در روز و در روز
 و کفار و داند و بعضی لازم دانسته اند که کفار و داند و بعضی که در
 و اولی است که در روزی و در روز و در روز و بعضی که در
 گفتند یا دوی که غالب گفته باشد نیست یکی واقع شده و گفته شد و گفته شد
 گفتند یا دوی که غالب گفته باشد نیست یکی واقع شده و گفته شد و گفته شد
 داند و دشت و سکین را طاعت می‌داند کفار و قتل غلام است که کسی را طاعت می‌داند
 بگوید یا که دشت و سکین را طاعت می‌داند کفار و قتل غلام است که کسی را طاعت می‌داند

خود مانند آنکه خطایی را برای تأویب زنی و او بیرون یا تیری بجای او می بیند و
رازد و در بعضی چیز دگر گفته شود یا مرد را بر کسی خورده و بدینند و بعد از
خود با شرف قتل نباشد و گاهی کند که آن سبب قتل بود مثل آنکه بجای در راهی کند
و کسی در آن راه بدینند و بعد از آن کسی و سر راهی نکند و باعث قتل کسی شود و اگر
آن است که کفالت لازم نباشد و هیچ دین لازم شود و کفالت بند از آن دین است و بدینند
عاجز شدن از آن و در ماه و خالی روز و داشتن و بعد از آن زن است سبب طلاق
اگر کسی زنی را در عهد دیگری طرح کند میباید که از آن زن مفارقت کند
و بعد از بعضی از علاج جناح از دست و حواصط کند که آن زن دیگر اعتد
نیز این کفالت را بدین یا خرج بر مصدق کند
حرفی در زن بعضی از خطا گفته اند و بعضی از زن اوقات که واجب است که آن خطا
نکند و این خطا است و این احوال است و گاه اول بکشد بعد کفالت جمع میدهد و
بعد از آن کفالت قتل خطا میدهد و واجب است که قبل از آنلام بر مصدق کند
نباشد و بعد از آن ماه و رمضان را انتظار کند و سبب بیباری ای آناه
رسالت و دیگر چیز باشد از هر قوی این است که خطا ساقط میشود و برای هر
یک مدینه خطا میدهد علی النکاح و بعضی گفته اند خطا میکند و این
در الله گفته است استیغاثا هر یک و اگر میباید و رمضان از آن بر طرف
نموده و هر روز باشد و بدین عذر است تا نکند تا آنکه ماه رمضان دیگر میباید

۱۰ ص ۱۰

۱۰ ص ۱۰

۱۰ ص ۱۰



هو محمد رضا شاه قاجار
الملک السیاح
۱۰ ص ۱۰

